

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

س. رها
۱۳ سپتمبر ۲۰۱۳

«یازدهم سپتمبر» و «سلاح کیمیائی»

دو جوازنامه جنایات

دوازده سال قبل امپریالیزم امریکا حمله وحشیانه نظامی بالای افغانستان انجام داد که افغان ها تا امروز نتیجه مهلک و تباہ کن آن را به صورت روز افزون در سرنوشت شان تجربه می کنند. به اصطلاح شیر جنگل (بخوان ببر کاغذی) به خاطر این که دلیلی برای این یورش ظالمانه خود چیده باشد، تخریب ساختمان های دوقلوی «مرکز تجارت جهانی» نیویورک را به دست القاعده عنوان کرد که گویا مقرر فرمادهی ویا مرکز آن در افغانستان است. امریکا دوازده سال تمام گویا دنبال این نخود سیاه گشت ولی چیزی دستگیرش نشد یا به عبارت دیگر، فرضاً اگر ما برای لحظه ای هم که شده قبول کنیم که هدف از به خاک و خون کشیدن هزاران افغان، ویرانی وخرابی کامل افغانستان وپرکشیدن هزاران افغان دیگر به کشور های مختلف همچون پرستو های مهاجر و نقض کامل حقوق بشر، یافتن القاعده ویا شاخه ای از آن (طالبان) بوده؛ هم می شود به این نتیجه رسید که تا امروز آیا امریکا توانسته کدام غلطی بکند؟

اما مهم تر از آن این است (درست- جان کلام اینجاست) که هدف امریکا نه یافتن القاعده بوده، نه استقرار «نظم نوین جهانی»، نه رساندن حق به حقدار و نه هم شعار های دیگری که نوکرانش به خاطر بقای ارباب دوست دارند آنها را یدک بکشند؛ هدف امریکا مشخص است و مشخص بود، یافتن عامل یا عاملین حادثه یازدهم سپتمبر، دستاویز ودر عین حال جواز نامه ای شد برای جنایت آفرینی های بعدی امپریالیسم امریکا ورنه نقشه ای که طبق آن افغانستان به این حالت افتیده است، دست کم ۲۰ سال قبل از حادثه یازدهم سپتمبر کشیده شده بود و برای رسیدن به این هدف، امریکا مجبور بود پروژه سازی هائی از نوع «طالب سازی»، حادثه یازدهم سپتمبر و... بکند تا روزی برایش دستاویزی باشد که: "اینه شاهد واینه سوته"

امروز بدبختانه همین شتر دم دروازه «سوریه» خوابیده است و «استفاده از سلاح کیمیائی» دروغین، بلای جاننش گردیده است. سوریه متهم به استفاده از سلاح کیمیائی بالای مخالفان خود از طرف ایالات متحده امریکا گردیده و مجبور است بهای این (جرم نامعلوم!!) خود را چنان سنگین پردازد که افغانستان، عراق، لیبیا و بعضی کشورهای دیگر در حال پرداختن آن اند. زمانی که آدم به اظهارات بارک اوباما ویا جان کری گوش می دهد، به این فکر می افتد که واقعاً چه انسان های انساندوستی(!!؟؟) حالا که فهمیده اند در سوریه بسا انسان های بی گناه توسط

سلاح کیمیائی به قتل رسیده اند، جگر این انسان دوست ها خون شده و حاضر اند جان خود را به خطر بیندازند تا جان انسان های دیگر را که لقمه سلاح کیمیائی رژیم حاکم در سوریه گردیده ومی گردند، نجات دهند. ولی چرا سند ومدرک حقیقی در پی اثبات این ادعای(کاذب) خود ارائه نمی دارند تا دیگران هم کمر به خاطر نجات مردم سوریه از دست سلاح کیمیائی، ببندند؟ فکر دیگری که انسان را به طرف خود جلب می کند، این است که: آیا همین انسان های انساندوست ومدافع حقوق بشر نبودند که دستور دادند تا دوازده هزار نفر عراقی را زنده زنده به گور کنند؟ آیا آنها انسان نبودند؟ از زمان حادثه یازدهم سپتمبر وحمله وحشیانه امریکا بالای افغانستان تا امروز، هر روز دست کم پنج نفر جان خود را از دست می دهد، آیا این انسانها چه فرقی دارند با آنهایی که طبق ادعای نامعلوم امریکا، قربانی سلاح کیمیائی سوریه شده اند؟

جان کری دریکی از سخنرانی هایش گفته بود که"اگر رژیم بشار اسد مسأله سلاح کیمیائی خود را با جامعه جهانی در میان نگذارد، عواقب خطرناکی زندگی مردم آن کشور را تهدید می کند وممکن است سوریه به یک سمت نامعلومی سوق داده شود" عجب! چه شعری!

اما اگر امپریالیسم امریکا حمله وحشیانه خود را بالای سوریه صورت دهد، سمت سوریه معلوم می شود و دیگر زندگی انسان هایش را هیچ خطری تهدید نمی کند، چون انسان بعد از مرگش برایش مهم نیست که دیگر چه خطری او را تهدید می کند وبه راستی این یک دلسوزی بی نهایت ماهرانه در حق مردم سوریه است که: از این که سلاح کیمیائی رژیم بشار اسد زندگی شمارا تهدید کند بهتر است همگی لقمه توب وتانگ امریکا شوید تا یکبار از خطرهای بعدی برهید. در این باره امریکا حق دارد که مثالهای عینی هم از این دلسوزی اش ذکر نماید تا دیگر شکی در آن باقی نماند. مثلاً: مگر امریکا هزاران نفر عراقی را در یک روز توسط بمبارانهای دلسوزانه!! اش از خطر زندگی کردن(!!؟؟) نجات نداد وهمه را روانه بستر آرام گورستان نگردانید؟ مگر امریکای دلسوز!! هر روز دهها افغان را از خطر زندگی کردن نجات نمی دهد وباقبول زحمت زیاد، مرگ را در زیر خاک ها وآواره ها توسط تانگ های دلسوزش وبمباران های دلسوزش برای آنها به ارمغان نمی آورد؟ مگر امریکای دلسوز «روستای میلای» وباشندگانش را از خطر حتمی یک زندگی آرام نجات نداد؟ آخر باید کمی فکر کنیم وموقعیت امریکا را درک کنیم. اوبیچاره با چه زحمت توان فرسا وقبول چه مصارف هنگفت وکمر شکن، توب وتانگ می سازد، طیاره های جنگی بی سر نشین می سازد، راکت وانواع سلاح مرگ زا ودلسوز می سازد؛ حیف نیست که در یک لحظه از تمام این زحمت ومصارف چشم پوشی کرده ونثار جان ناقابل انسان ها می کند؟ بدون شک کسی که چنین از خود گذری سترگی را داشته باشد، او یک فرشته است، فرشته نجات، فرشته نجات از زندگی وارمغان آور مرگ!

ومسأله دوم، مسأله جامعه جهانی است که او نیز چه جانانه از خود گذریهای دارد وچه بی باکانه از کیسه خلیفه حق محروم ساختن هزاران انسان بی گناه را از زندگی، به امریکا اعطاء می کند وچه بسا این که امریکا در این راستا جوایزی را نیز از جانب جامعه جهانی(بخوان چوبدست امریکا) به دنبال این انسان کشی هایش نصیب می شود(به اخذ جائزه صلح نوبل اوباما توجه کنید). همین جامعه جهانی بود که با اعطای حق حمله امریکا به افغانستان، گرفتن جان هزاران افغان بی گناه، ویرانی افغانستان، وایجاد یک دولت مستعمره، امریکا را دربین رقیبان، سرخو گردانده وسرخیل میدان ساخت. آیا به واقع این یک از خود گذری بزرگ نیست؟ کی جرأت، شهامت و وجدان این را دارد تا اجازه دهد که چنین وحشی گری که در تاریخ تا کنون نظیر ندارد، بدون کدام تأملی بالای یک کشور ومردمش صورت گیرد؟

«جان کولمن» نویسنده کتاب «کمیتة ۳۰۰» که خود یکی از اعضاء و سر سپردگان سازمان استخباراتی بریتانیا (MI6) بوده، در مورد از خود گذریهای امریکا بر این عقیده است که:

«هنگامی که بالاترین مقام انتخابی این کشور، بدون اجازه کنگره، جنگ ویتنام را آغاز می کند و رسانه های خبری با سروصدای فراوان آن را تأیید می کنند، به جای پذیرش حقیقت باز همان فریب را می پذیریم»

ولی ما می گوئیم آقای کولمن! شما اگر چشم امیدی به کنگره این کشور دوخته اید، باید اعتراف کنید که احمق بیش نیستید چون آیا باور می کنید که اگر کنگره خلاف آنچه که «بالاترین مقام انتخابی» کشور می خواست، رأی می داد، حمله بالای ویتنام صورت نمی گرفت؟ امروز اگر منافع عمومی کشور امپریالیستی امریکا حمله بالای سوریه را ایجاب کند، حتا در صورتی که کنگره اش این اجازه را به آن ندهد (در همین ایام نیز دولت امریکا به دنبال یافتن حامی و هم نظر سرگردان است) باز هم آقای کولمن نظر می دادید که در صورت ندادن کنگره به «بالاترین مقام انتخابی» در ارتباط حمله به سوریه، آیا حمله ای صورت نمی گرفت؟

کسی که خود دم از آگاهی از جریان «گروه توطئه گران جهانی» زده و افشاء آن را منحصبت برگ برنده در سیاست خود بیندازد، به این اندازه سطحی نگر باشد و قناعت نماید که امریکا به جز منافع آنی و ظاهری، هیچ هدفی دیگری ندارد و به محض اجازه ندادن کنگره، از تصمیمش بر حذر می شود، به راستی یا لوده است و یا دیگران را لوده می پندارد اما بحث ما بر سر آقای کولمن نیست و هدف ما در اینجا این است که:

خصلت ذاتی امپریالیسم همین حکم را می کند تا به دنبال منافع، هر لحظه و در هر قسمت از جهان که صوابش را دیده باشد، حاضر است جنایت بیافریند و زندگی هزاران انسان بی گناه را قربانی هوس های امپریالیستی خود کند. اما گاهی مجبور است بخاطر انجام این عمل ضد انسانی اش، دلائلی از نوع «مبارزه با طالبان»، عبور از خطر قرمز جهت استفاده از سلاح کیمیائی و بعضی دیگر از این قبیل مزخرفات را ذکر نماید تا ما و تو انسان بی گناه به دست خود، صورت خود را جهت سیلی خوردن آماده کنیم. امریکا نه دلش به حال مردم سوریه سوخته است، نه ادعایش واقعیت دارد و نه هم در ذات امریکا این انساندوستی وجود دارد.

کسی نمی پرسد که امروز اگر امریکا در مسأله سوریه به این حد دلسوز شده است و نگران عبور از خط قرمز است؛ آیا زمانی که همین امریکا آنهمه جنایت هولناک بشری را که مرتکب می شد و می شود، روی کدام دلسوزی اش می تواند باشد؟